

به نام آغازگر، مستی



دانشگاه الزهراء

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان‌شناسی همگانی

عنوان

بررسی صوری و نقشی مقولات گروهی مبتدا، کانون و آغازگر در زبان فارسی

استاد راهنما

دکتر فریده حق‌بین

دانشجو

مژده پارساکیا

بهمن ۱۳۸۹



دانشگاه الزهراء

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان‌شناسی همگانی

عنوان:

بررسی صوری و نقشی مقولات گروهی مبتدا، کانون و آغازگر در زبان فارسی

استاد راهنما:

دکتر فریده حق‌بین

استاد مشاور:

دکتر محمد دبیرمقدم

دانشجو:

مژده پارساکیا

بهمن ۱۳۸۹

## تشکر و قدردانی

نگارنده لازم می‌داند که در این قسمت از عزیزانی که در شکل‌گیری این پژوهش نقش مهمی ایفا کرده‌اند، تشکر نماید. دکتر حق‌بین که ایده این پژوهش را در ذهن من پرورانده و در تمام مدت با کج‌فهمی اینجانب صبورانه مدارا کردند. دکتر دبیرمقدم که با تمامی مشغله‌هایشان با حوصله و با دقت ایرادات پژوهش را به بنده گوشزد نموده و حضور و همراهی ایشان در انجام این پژوهش باعث دلگرمی اینجانب بود. اساتید عزیز گروه زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا که همواره در جهت غنا بخشیدن به زبان دیرینه فارسی قدم‌های بزرگی برداشته‌اند و دانشجویان خود را در این مسیر یاری می‌نمایند. دانشجویان ورودی مهرماه ۱۳۸۶ که هم‌کلاسی بودن با ایشان همواره باعث افتخار اینجانب بوده است. و در نهایت سپاس فراوان تقدیم به همسر عزیزم که سالها در حق اینجانب صبوری کرده و مرا در پیشبرد این پژوهش یاری نموده است.

تقدیم بہ

مستمر

## چکیده

پژوهش حاضر مطالعه‌ای است که در چارچوب دو رویکرد نظریه‌ نقش‌گرایی هلیدی و برنامه‌ کمینه‌گرایی چامسکی صورت گرفته است و در آن سعی شده است که ویژگی‌های دستوری و اطلاعی سه مفهوم نقشی آغازگر، مبتدا و کانون و ابزارهای واژگانی که برای نشان دادن این مفاهیم در زبان فارسی استفاده می‌شود، مورد مطالعه قرار بگیرد. در واقع، تحقق این پژوهش تا حدی می‌تواند این مفاهیم، نقاط اشتراک و افتراق و تطابق یا عدم تطابق آنها را روشن سازد. فصل اول این پژوهش به معرفی و بیان مسئله اصلی می‌پردازد. فصل دوم شامل پیشینه پژوهش می‌باشد. در فصل سوم به بررسی نظریاتی خواهیم پرداخت که چارچوب اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. فصل چهارم پیکره اصلی پژوهش به شمار می‌رود. و فصل پنجم به بحث پیرامون یافته‌ها و نتایج به دست آمده اختصاص دارد.

**واژگان کلیدی:** مبتدا، کانون، آغازگر، ساخت اطلاعی، گروه مبتدا، گروه کانون.

## فهرست مطالب

۱	..... فصل اول: کلیات پژوهش	۱
۱	..... مقدمه	۱-۱
۱	..... مسئله پژوهش	۲-۱
۶	..... پرسش‌های پژوهش	۳-۱
۶	..... هدف‌های پژوهش و ضرورت آن	۴-۱
۷	..... فرضیه‌های پژوهش	۵-۱
۸	..... نهاد یا موسساتی که می‌توانند از یافته‌های این پژوهش بهره‌گیرند	۶-۱
۸	..... اطلاعات مربوط به روش شناسی پژوهش	۷-۱
۸	..... ۱-۷-۱ تعریف جامعه آماری و ویژگی‌های آن	۸
۸	..... ۲-۷-۱ روش نمونه‌گیری و حجم تقریبی نمونه	۸
۸	..... ۳-۷-۱ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	۸
۹	..... ساختار پایان‌نامه	۸-۱
۱۰	..... فصل دوم: پیشینه پژوهش	۱۰
۱۰	..... ۱-۲ مقدمه	۱۰-۲
۱۰	..... ۲-۲ پیشینه مطالعات زبان‌شناسان ایرانی	۱۰-۲
۱۰	..... ۱-۲-۲ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی	۱۰-۲-۲
۱۰	..... ۱-۱-۲-۲ مبتدا	۱۰-۲-۲-۲
۱۵	..... ۲-۱-۲-۲ کانون	۱۵-۲-۲-۲
۲۴	..... ۳-۱-۲-۲ آغازگر	۲۴-۲-۲-۲
۲۷	..... ۲-۲-۲ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد زایشی	۲۷-۲-۲-۲
۲۷	..... ۱-۲-۲-۲ مبتدا	۲۷-۲-۲-۲-۲
۳۱	..... ۲-۲-۲ کانون	۳۱-۲-۲-۲-۲
۳۶	..... ۳-۲ پیشینه مطالعات زبان‌شناسان غیرایرانی	۳۶-۲
۳۶	..... ۱-۳-۲ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی	۳۶-۲-۳
۳۶	..... ۱-۱-۳-۲ مبتدا	۳۶-۲-۳-۱
۴۸	..... ۲-۱-۳-۲ کانون	۴۸-۲-۳-۱-۲

۵۹	..... ۳-۱-۳-۲ آغازگر
۶۹	..... ۲-۳-۲ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد زایشی
۶۹	..... ۱-۲-۳-۲ مبتدا و کانون
۷۴	..... ۴-۲ جمع‌بندی

### ۳. فصل سوم: ملاحظات نظری ..... ۷۵

۷۵	..... ۱-۳ مقدمه
۷۵	..... ۲-۳ نقش‌گرایی
۸۸	..... ۳-۳ برنامهٔ کمینه‌گرا
۹۲	..... ۴-۳ جمع‌بندی
۹۲	..... ۱-۴-۳ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی
۹۷	..... ۲-۴-۳ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد زایشی

### ۴. فصل چهارم: تحلیل داده‌ها ..... ۹۸

۹۸	..... ۱-۴ مقدمه
۹۸	..... ۲-۴ مبتدا ، کانون و آغازگر در زبان فارسی در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی
۹۸	..... ۱-۲-۴ مبتدا
۱۰۸	..... ۲-۲-۴ کانون
۱۱۹	..... ۳-۲-۴ آغازگر
۱۲۸	..... ۴-۲-۴ جمع‌بندی
۱۳۷	..... ۳-۴ مبتدا ، کانون و آغازگر در زبان فارسی در چارچوب رویکرد زایشی
۱۳۹	..... ۱-۳-۴ مبتدا
۱۴۳	..... ۲-۳-۴ کانون
۱۴۸	..... ۳-۳-۴ آغازگر
۱۵۱	..... ۴-۳-۴ جمع‌بندی

### ۵. فصل پنجم: نتایج پژوهش ..... ۱۵۲

۱۵۲	..... ۱-۵ مقدمه
۱۵۲	..... ۲-۵ مروری بر فصل‌های پیشین
۱۵۶	..... ۳-۵ بررسی پرسش‌های پژوهش



۱۵۶	..... ۴-۵ بررسی فرضیه‌های پژوهش
۱۵۶	..... ۵-۵ دستاوردهای پژوهش
۱۵۷	..... ۶-۵ جمع‌بندی
۱۵۸	..... ۷-۵ پیشنهادات
۱۵۹	..... ۶. کتاب‌نامه فارسی
۱۶۲	..... ۷. کتاب‌نامه انگلیسی
۱۶۷	..... ۸. واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
۱۷۱	..... ۹. واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

## فصل اول: کلیات

### ۱-۱ مقدمه

زبان پدیده‌ای است ارزشمند که با انسان زاده می‌شود، با او رشد می‌کند، به تکامل می‌رسد و سپس می‌میرد. زبان هر فرد و ملتی جایگاه اندیشه و احساس و خاستگاه هویت اوست و عدم توجه کافی به آن به معنای سرکوب اندیشه و هویت هر فرد و ملت است. زبان فارسی همچون هر زبان دیگری بازتابی از فرهنگ و تمدن دیرینه ماست، در نتیجه حفظ و نگهداری و غنا بخشیدن به آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

پژوهش حاضر گامی است در مسیر شناخت هر چه بیشتر ابعاد زبان فارسی.

### ۱-۲ مسئله پژوهش:

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا در چارچوب دو رویکرد نظریه نقش‌گرایی هلیدی و برنامه کمینه‌گرایی چامسکی به مطالعه مفاهیم گفتمانی و کاربردشناختی مبتدأ<sup>۱</sup>، کانون<sup>۲</sup> و آغازگر<sup>۳</sup> در جملات زبان فارسی و ارتباط هر یک از آنها با ساخت اطلاعی<sup>۴</sup> جمله پردازیم.

پیشینه مطالعات در زمینه ساخت اطلاعی به مکتب پراگ و به سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد (براون<sup>۵</sup> و یول<sup>۶</sup>: ۱۹۸۹: ۱۵۳). آقا گل‌زاده و رضویان

---

<sup>1</sup> Topic

<sup>2</sup> Focus

<sup>3</sup> Theme

<sup>4</sup> Information structure

<sup>5</sup> Brown

<sup>6</sup> Yule

(۱۳۸۶: ۴) عنوان می‌کنند که زبان‌شناسان مکتب پراگ در قالب نظریه‌ای با عنوان "نمای نقشی جمله"<sup>۷</sup> به بررسی ساخت اطلاعی جمله پرداخته و آن را به دو بخش اطلاع کهنه و اطلاع نو تقسیم کردند. هلیدی<sup>۸</sup> و متیسن<sup>۹</sup> (۲۰۰۴) نیز ضمن تقسیم‌بندی ساخت متنی بند به "ساخت اطلاعی"<sup>۱۰</sup> و "ساخت آغازگر - پایان بخش"<sup>۱۱</sup>، ساخت اطلاعی را ساختی "مخاطب محور"<sup>۱۲</sup> می‌دانند که دارای دو عنصر کارکردی است: "اطلاع نو"<sup>۱۳</sup> و "اطلاع کهنه"<sup>۱۴</sup>؛ مهاجر و نبوی (۱۳۷۶: ۵۹) به نقل از هلیدی (۱۹۹۴) عنوان می‌کنند که اطلاع نو اطلاعی است که پیش از عرضه آن، در متن سخنی از آن به میان نیامده است و یا آن که نمی‌توان آن را از سخن پیشین استخراج کرد. در برابر، اطلاع کهنه اطلاعی است که پیش از آنکه بیان شود به نحوی بر مخاطب آشکار است یا گوینده آن را نزد مخاطب آشکار می‌پندارد. این اطلاع یا از بافت موقعیتی قابل استخراج است و یا از بخش‌های پیشین سخن. مدرسی (۱۳۸۷) ساخت اطلاعی را بخشی از دستور جمله می‌داند که در سطح جمله عمل می‌کند و ناظر بر انتخاب صورتی از جمله است که متناسب با موقعیت ارتباطی و کلامی بوده و همچنین براساس حالات ذهنی مشارکین کلام شکل می‌گیرد؛ بدان معنی که گوینده هنگام بیان جمله، در ذهن خود همیشه پیش‌فرض‌هایی از آگاهی مخاطبش بر موضوع دارد. مشکوة‌الدینی (۱۳۸۱: ۹۹) نیز معتقد است که ساخت گفتار از طریق موقعیت کاربردی خاصی که در آن ظاهر می‌شود تعیین می‌گردد؛ به این معنا که هر سخن‌گویی با توجه

---

<sup>7</sup> Functional sentence perspective

<sup>8</sup> Halliday

<sup>9</sup> Matthiessen

<sup>10</sup> Thematic structure

<sup>11</sup> Addressee- oriented

<sup>12</sup> New information

<sup>13</sup> Old information

به بافت موقعیتی ساختار پیام خود را به گونه‌ای شکل می‌دهد که شنونده آن را به‌طور مناسب درک و تفسیر کند.

از جمله مفاهیمی که زبان‌شناسان در قالب ساخت اطلاعی جمله به آن پرداخته‌اند می‌توان به مفاهیم دوگانه مبتدا - خبر، کانون - پیش‌انگاره و آغازگر - پایان‌بخش اشاره کرد. مبتدا و خبر دو مفهوم مهم در زبان‌شناسی هستند که از نیمه دوم قرن نوزدهم توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. کریستال<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۳: ۴۶۸) معتقد است "مبتدا آن چیزی است که درباره آن صحبت می‌کنیم و خبر هر آن چیزی است که درباره مبتدا گفته می‌شود". ون کوپه ولت<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۴) در مقاله خود که که حول این دو مفهوم می‌چرخد، عدم یکنواختی در اصطلاح‌یابی این دو مفهوم را یکی از مشکلات اساسی محققان زبان می‌داند. وی می‌گوید که افراد مختلف از اصطلاحات مختلفی برای اشاره به این دو مفهوم استفاده می‌کنند. به عنوان مثال مواردی وجود دارد که برای مفهوم مبتدا از دو لفظ آغازگر و یا فاعل روان‌شناختی<sup>۱۶</sup> استفاده می‌شود. وی همچنین می‌افزاید که در چنین تحلیل دو بخشی از جمله گاه با مواردی برخورد می‌کنیم که به جای مفهوم دوگانه مبتدا - خبر از مبتدا - کانون استفاده می‌کنند. این درحالیست که کانون معنای کاملاً متفاوتی از خبر دارد و بر حسب "وضعیت اطلاعاتی"<sup>۱۷</sup> از قبیل اطلاع نو یا برجسته‌ترین اطلاعات تعریف می‌شود. کانون بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو می‌باشد و در مقابل پیش‌انگاره<sup>۱۸</sup> که دارای اطلاع نو نیست قرار می‌گیرد (همان منبع: ۴۶۳۰).

---

<sup>14</sup> Crystal

<sup>15</sup> Van Kuppevelt

<sup>16</sup> Psychological subject

<sup>17</sup> Informational status

<sup>18</sup> علاوه بر اصطلاح پیش‌انگاره، از دو اصطلاح زمینه (ground) و پیش زمینه (background) نیز برای اشاره به بخش مقابل کانون استفاده می‌شود.

مهاجر و نبوی (۱۳۷۶: ۵۹) به نقل از هلیدی (۱۹۹۴) در رابطه با مفهوم دوگانه آغازگر - پایان‌بخش عنوان می‌کنند که ساخت آغازگر - پایان‌بخش ساختی "گوینده محور"<sup>۱۹</sup> است و دارای دو بخش آغازگر و پایان‌بخش است. آغازگر موضوع اصلی پیام است و پیام درباره آن است. به لحاظ صوری، در بسیاری از زبان‌ها آغازگر عنصر آغازین جمله است که محدودیت نحوی خاصی برای آن نمی‌توان قائل شد و گوینده می‌تواند آن را از سازه‌های گوناگون دستوری چون ادات، فاعل، فعل و متمم انتخاب کند. اما پایان‌بخش آن چیزی است که درباره آغازگر گفته می‌شود و همه عناصر بند را جز آغازگر که در آغاز بند می‌آید، دربر می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که تشخیص پایان‌بخش در گرو تشخیص آغازگر می‌باشد.

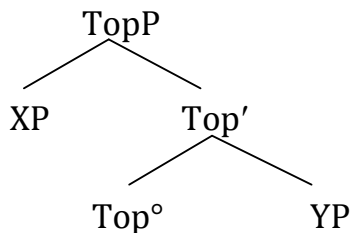
اما آنچه انجام پژوهش حاضر را حائز اهمیت می‌سازد مربوط به عدم توافقی است که زبان‌شناسان ایرانی درباره این مفاهیم دوگانه دارند. به عبارت دیگر، زبان‌شناسان ایرانی هنوز درباره ماهیت و عملکرد این مفاهیم گفتمانی و کاربردشناختی در زبان فارسی به نتیجه‌گیری قطعی و توافق عام نرسیده‌اند. این در حالیست که در زبان‌شناسی کمینه‌گرایی چامسکی گره‌های نقشی با عنوان گروه مبتدا و گروه کانون طراحی و پیشنهاد شده است. دبیرمقدم (۱۳۸۶: ۶۳۷-۶۳۵) به نقل از ریتزی<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۷) عنوان می‌کند که در ساخت مبتدا - خبر، مبتدا سازه پیش‌اندشده‌ای است که به کمک مکث از بقیه جمله جدا می‌شود و معمولاً حاوی اطلاع کهنه است. این سازه به نحوی در گفتمان پیشین موجود و برجسته است. اما خبر گزاره‌ای است درباره مبتدا و حاوی اطلاع نو می‌باشد. ریتزی (همان منبع) به ساخت مشابه اما به لحاظ مفهومی بسیار متفاوت اشاره کرده و آن را ساخت "کانون - پیش‌انگاره" خوانده است. در این

---

<sup>19</sup> Speaker-oriented

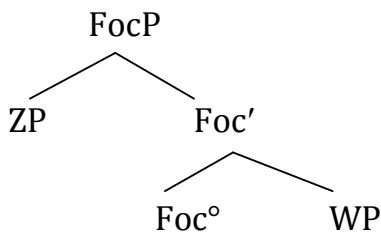
<sup>20</sup> Rizzy

ساخت، سازهٔ پیش‌آیندشده که دارای تکیه کانونی است حاوی اطلاع نو است، در صورتی که بقیه جمله حاوی اطلاع کهنه و مفروض می‌باشد. همچنین بین این دو سازه مکث وجود ندارد. نمودار ایکس تیره‌ای را که ریتزی (۱۹۹۷: ۲۸۶) برای نمایش ساخت مبتدا - خبر پیشنهاد کرده است، به این صورت می‌باشد:



XP= topic      YP=comment

در این ساخت، گره فرافکنی بیشینه، گروه مبتداس‌ت. در جایگاه مشخص‌گر این گروه مبتدا جای می‌گیرد. Top° هسته این گروه است و YP متمم آن هسته، یعنی خبر. ذیل هسته مشخصه (+) یا (-) واقع است و فقط در صورت حضور (+) مبتداسازی شکل می‌گیرد. ریتزی نمودار ایکس تیرهٔ دیگری را برای نمایش ساخت کانون - پیش‌انگاره به دست داده که به صورت زیر است:



ZP= Focus      WP=Pres

در این نمودار گره فرافکنی بیشینه، گروه کانون است. در جایگاه مشخص‌گر این گروه سازه کانونی جای می‌گیرد و ذیل هسته این گروه مشخصه (+) یا (-) واقع است. در صورت فعال‌شدن ارزش (+) کانونی‌سازی رخ می‌دهد. متمم هسته جایگاه پیش‌انگاره است (همان منبع: ۶۳۶).

در نهایت هدف عمده این پژوهش بررسی هر چه بیشتر سه مفهوم آغازگر، مبتدا و کانون و رابطه میان این مفاهیم با ساخت اطلاعاتی جمله در زبان فارسی است. در واقع، تحقق این پژوهش تا حد زیادی می‌تواند این مفاهیم، نقاط اشتراک و افتراق و تطابق یا عدم تطابق آنها را روشن سازد.

### ۳-۱ پرسش‌های پژوهش:

۱. ویژگی‌های دستوری مفاهیم مبتدا، کانون و آغازگر چیست و در زبان فارسی

برای نشان دادن آنها از چه ابزارهای واژگانی استفاده می‌شود؟

۲. چه رابطه‌ای بین ساخت اطلاعاتی و مفاهیم مبتدا، کانون و آغازگر در زبان

فارسی وجود دارد؟

۳. آیا می‌توان در زبان فارسی گروهی با نام گروه آغازگر (Theme Phrase) در

نمودار درختی قایل شد؟

### ۴-۱ اهداف پژوهش و ضرورت آن:

هدف اصلی این پژوهش دستیابی به نتایجی است که به ما در شناخت و تمییز

هر چه بیشتر سه مقوله مبتدا، کانون و آغازگر کمک می‌کند. همچنین در راستای این

پژوهش می‌توان میزان کارکرد برنامه کمینه‌گرای چامسکی و نظریه نقش‌گرایی هلیدی را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داد.

## ۱-۵ فرضیات پژوهش:

۱. الف) در حالت بی‌نشان مبتدا در ابتدای جمله و غالباً منطبق بر فاعل دستوری جمله است؛ اما در مبتداسازی ضمیرناگذار<sup>۲۱</sup> و مبتداسازی ضمیرگذار<sup>۲۲</sup> این تطابق دگرگون می‌شود.

ب) در جملات بی‌نشان فارسی کانون همواره پس از پیش‌انگاره می‌آید، اما برای جایگاه این سازه در جمله حالت نشان‌دار نیز وجود دارد.

ج) آغازگر نخستین سازه است و می‌تواند مقوله‌هایی چون فاعل، فعل، متمم یا ادات را در خود جای دهد.

۲. الف) در حالت بی‌نشان مبتدا منطبق بر اطلاع کهنه و خبر منطبق بر اطلاع نو می‌باشد. البته می‌توان مواردی را یافت که در آن مبتدا حاوی اطلاع نو است.

ب) به لحاظ اطلاعی کانون حاوی اطلاع نو است. رابطه میان کانون و اطلاع نو رابطه یک به یک نمی‌باشد، مثلاً ممکن است تمام اطلاع یک جمله نو باشد ولی تنها بخشی از آن به‌عنوان کانون لحاظ شود.

ج) در حالت بی‌نشان آغازگر منطبق بر اطلاع کهنه و پایان‌بخش منطبق بر اطلاع نو است، اما این انطباق گاه برعکس می‌باشد.

---

<sup>21</sup> Topicalization

<sup>22</sup> Left-dislocation



۳. در جملات فارسی مواردی وجود دارد که در آن می‌توان مبتدا، کانون و آغازگر را از هم تفکیک کرد. در چنین حالتی فرض بر این است که بتوان گروهی با نام گروه آغازگر برای جملات فارسی تعریف کرد. جایگاه این گروه در نمودار درختی قبل از دو گره گروه مبتدا و گره کانون است.

#### ۱-۶ نهاد یا مؤسساتی که می‌توانند از یافته‌های این پژوهش بهره بگیرند:

این پژوهش پژوهشی نظری است که یافته‌های آن می‌تواند مورد توجه زبان‌شناسان قرار بگیرد. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند نویسندگان را در خلق هر چه بیشتر آثار منسجم و قابل فهم یاری رساند.

#### ۱-۷ اطلاعات مربوط به روش شناسی پژوهش:

##### ۱-۷-۱ تعریف جامعه آماری و ویژگی های آن:

اگرچه پیکره اصلی این پژوهش بر اساس شم زبانی گویشور شکل می‌گیرد، اما بخشی کوچکی از داده‌ها، از محاوره‌های شفاهی اهل زبان جمع آوری شده است. زبان مادری این افراد الزاماً زبان فارسی بوده است.

##### ۱-۷-۲ روش نمونه گیری و حجم تقریبی نمونه:

به منظور دستیابی به محاوره‌هایی که به صورت طبیعی بیان شده است، صدای افراد بدون هماهنگی ضبط شده است و در ادامه به بررسی مبتدا، کانون و آغازگر در سطح این جملات پرداخته می‌شود.

##### ۱-۷-۳ روش تجزیه و تحلیل داده ها :

با توجه به چارچوب‌های نظری مطرح شده در پایان‌نامه از بین جملات گفتاری و نوشتاری که در دسترس پژوهشگر است انتخاب‌های مناسب و کنترل شده

برای مقایسه و تطبیق و درنهایت استخراج موارد مشابه و متفاوت انجام گرفته است.

## ۸-۱ ساختار پایان نامه

در فصل اول که فصل حاضر می باشد کلیات پژوهش ارائه می شود. این فصل ابتدا به معرفی و بیان مسئله اصلی این پژوهش پرداخته و سپس سؤالات، فرضیات و اهداف پژوهش را مطرح می کند. همچنین در انتهای فصل، اطلاعات مربوط به روش شناسی و ساختار کلی پژوهش آمده است.

فصل دوم شامل پیشینه پژوهش می باشد. در این فصل سعی بر آن است تا دیدگاه افراد مختلف نسبت به مفاهیم کاربرد شناختی و گفتمانی مطرح شده ارائه شود. همچنین در این فصل به بررسی مطالعاتی می پردازیم که توسط زبان شناسان ایرانی و غیر ایرانی پیرامون موضوع این پژوهش صورت گرفته است.

در فصل سوم ابتدا ویژگی ها و اصول کلی دو رویکرد زبان شناختی برنامه کمینه گرا و نظریه نقش گرای می مطرح می شود و در ادامه به تفصیل به بررسی نظریاتی خواهیم پرداخت که چارچوب اصلی این پژوهش را تشکیل می دهند.

فصل چهارم پیکره اصلی این پژوهش به شمار می رود که در آن مفاهیم دوگانه مبتدا - خبر، کانون - پیش انگاره و آغازگر - پایان بخش در راستای فرضیات پژوهش به اجمال بررسی می شود تا از این طریق بتوان به پرسش های مورد نظر پاسخ داد.

فصل پنجم به بحث پیرامون یافته ها و نتایج به دست آمده اختصاص دارد و بر اساس آن پرسش ها و فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

## فصل دوم: پیشینه پژوهش

### ۱-۲ مقدمه

تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است مشابه پژوهش حاضر تاکنون صورت نگرفته است و تنها به بخش‌هایی از آن به صورت جداگانه و یا در میان مطالب دیگر اشاره شده است. این پژوهش‌ها در چارچوب دو رویکرد نقش‌گرایی و زایشی و توسط زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی به انجام رسیده است که شماری از آنها به شرح زیر می‌باشد. البته شایان ذکر است که طبق بررسی‌های نگارنده، به مفهوم زبان‌شناختی آغازگر در چارچوب نظریه زایشی پرداخته نشده است.

### ۲-۲ پیشینه مطالعات زبان‌شناسان ایرانی

سه مفهوم نقشی مبتدا، کانون و آغازگر از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان ایرانی بوده است. این مطالعات از جنبه‌های مختلفی به این مفاهیم پرداخته است که در میان آنها می‌توان نتیجه‌گیری‌های مشابهی را مشاهده کرد.

### ۱-۲-۲ مطالعات انجام شده در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی

از آنجا که مبتدا، کانون و آغازگر از جمله مفاهیم نقشی به‌شمار می‌آیند، بنابراین این مفاهیم در چارچوب رویکرد نقش‌گرایی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

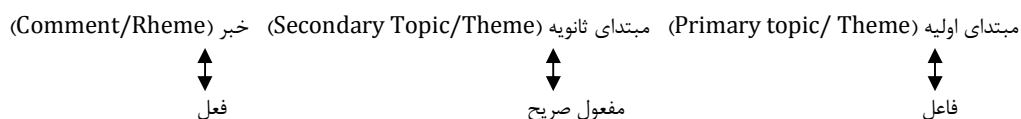
### ۱-۱-۲-۲ مبتدا

بصاری (۱۳۴۸) معتقد است بنای جمله از حیث معنی دو قسمت متمایز و اصلی دارد: (الف) قسمتی است که درباره آن خبر می‌دهند و (ب) خبری است که درباره قسمت اول داده می‌شود. قسمت اول را مبتدا و قسمت دوم را خبر می‌گویند. وی در خصوص ترتیب اجزای جمله و نقش آن در معنای جمله

معتقد است که تقدیم و تأخیر ارکان جمله به جهتی صورت می‌پذیرد و آن یا هنگامی است که شاعر یا نویسنده به یکی از اجزای جمله بیشتر اهمیت می‌دهد، یا تأکید و حصر مطلب مورد نظر اوست، یا مقدم و مؤخر آمدن اجزای جمله کلام را زیباتر می‌سازد. بنابراین وی تغییر در ترتیب اجزای جمله را باعث تغییر در معنا می‌داند.

**دبیرمقدم (۱۳۶۹)** جمله را یک واحد نحوی - کلامی تلقی می‌کند و معتقد است در حالت بی‌نشان

بین ارکان اصلی حوزهٔ نحو و حوزهٔ کلام در جمله‌های دارای فعل متعدی در فارسی رابطهٔ زیر را می‌توان ترسیم کرد:



دبیرمقدم بر این باور است که تقطیع کلامی بر دو اساس صورت می‌گیرد: گوینده محور و شنونده محور. تقطیع یک جمله به مبتدا و خبر از دید گوینده صورت می‌گیرد. گوینده براساس این تقطیع مشخص می‌کند که چه بخشی از جمله صحنه‌آرا و زمینه‌ساز خبری است که در پی خواهد آمد. این تقطیع را تقطیع مبتدا - خبری می‌نامیم. اما تقطیع دیگری نیز در سطح جمله مطرح است و آن برمبنای کهنه و نو بودن اطلاعات القا شده در جمله برای شنونده است. این تقطیع را توزیع اطلاعات کهنه و نو در جمله می‌نامیم. دبیرمقدم معتقد است که اگر چه این دو نوع تقطیع در مواردی ممکن است بر یکدیگر انطباق داشته باشند که در این صورت اطلاع کهنه با مقوله مبتدای اولیه و ثانویه و اطلاع نو با مقوله خبر منطبق خواهند بود، اما همیشه بین این دو تقطیع مورد بحث انطباق کامل نیست.

**ماهوتیان (۱۹۹۷)** معتقد است انتقال سازه به ابتدای جمله دو نقش را در زبان فارسی ایفا می‌کند،

یکی به قصد مبتدا کردن یک گروه اسمی و دیگری برای ایجاد تأکید و تقابل. وی در کتاب خود ذیل بحث در رابطه با مبتدا از سه شیوه در زبان فارسی برای نشان دادن مبتدای جمله نام می‌برد: